فصلنامه حسابداری مالی/سال دوازدهم/ شماره ۴۸/زمستان ۹۹/صفحات ۱۲۵- ۹۵

شناسایی و رتبه‌بندی محرک‌ها و شاخص‌های مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری: ترمیم فاصله‌ها

مهدی کاظمی علوم*
مصطفی عبدی**
محسن ختن‌لو***
علیرضا اکبری امامی****

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۳۱

چکیده

با توجه به بعد فنی و کاربردی حسابداری و نقش آن در حل مسائل و مشکلات حرفه، در دهه‌های اخیر شکاف بین پژوهش‌های حسابداریِ دانشگاهی و عملِ حسابداری همواره مورد بحث بوده است. هدف این پژوهشِ کیفی و اکتشافی، شناسایی عوامل مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری است. برای شناسایی محرک‌ها و شاخص‌ها از مبانی نظری و تجربی استفاده شده و برای رتبه‌بندی آن‌ها از مدل تحلیل شبکه بهره گرفته شده است. تعداد ۱۳۹ پرسشنامه برخط در سال ۱۳۹۸ توسط اساتید حسابداری و دانشجویان دکتری حسابداری دانشگاه‌های کشور و شاغلین حرفه شامل مدیران مالی، حسابداران، حسابداران رسمی و حسابرسان داخلی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تکمیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری در ۳ محرک و ۹ شاخص طبقه‌بندی می‌شود. در بین محرک‌ها، به ترتیب شکاف علمی، شکاف ارتباطی و شکاف اجتماعی از نظر افراد خبره دارای بالاترین اهمیت

* دکتری حسابداری(مدرس)، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران.
Email: mkolum1361@gmail.com

** استادیار حسابداری، مؤسسه آموزش عالی روزبه، زنجان، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: abdi.accounting@roozbeh.ac.ir

*** استادیار حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران.
Email: mkhotanlou@basu.ac.ir

**** دانش آموخته دکترای حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین ،ایران.
Email: ar.akbary@gmail.com

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

و رتبه است. همچنین رتبه‌بندی شاخص‌ها نیز نشان داد که شاخص شکاف آموزشی، شکاف فعالیتی و شکاف فرهنگی دارای بالاترین رتبه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، طبق نظر اعضای حرفه و دانشگاهیان، پژوهش‌های حسابداری به نحو مطلوب نتوانسته است در دنیای عمل بکار گرفته شود. جهت کاهش این فاصله، لازم است پژوهش‌های حسابداری، با تمرکز بر پژوهش‌های از نوع کاربردی انجام شود. نتایج این پژوهش به وسیله شناسایی محرک‌های مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری می‌تواند زمینه و بستری برای تعامل دانشگاهیان و حرفه جهت کاهش فاصله پژوهش‌های حسابداری در دنیای عمل و حرفه فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: آموزش، پژوهش‌های کاربردی، حسابداری، حرفه، دانشگاه.

۱- مقدمه

پژوهش‌های حسابداری ممکن است به عنوان یک طیف در نظر گرفته شوند. در یک سوی طیف، پژوهش‌هایی وجود دارند که دنیای عملِ مبتنی بر واقعیت موجود را تبیین و درک می‌کنند و در سوی دیگر، پژوهش‌هایی است که از دنیای عمل پدیدار می‌شوند و به‌طور مستقیم به تغییر و پیشرفت دنیای عمل کمک می‌کنند (بالدوینس‌دوتیر، میشل و نرکلیت[1]، ۲۰۱۰). با این حال به نظر می‌رسد پژوهش و عمل دو دنیای جداگانه هستند (لافلین[2]، ۲۰۱۱). پژوهش‌های حسابداری تأثیر بسیار کمی بر عمل حسابداری دارند و این فاصله بین حرفه و دانشگاه در حال افزایش است (باسو[3]، ۲۰۱۲). پژوهش‌های حسابداری محدود به یک سری موضوعات خاص هستند، در انجام این پژوهش‌ها از روش پژوهش مشابه و مدل‌های تکراری استفاده می‌شود که تأثیر چندانی بر وضعیت سیستم آموزشی ندارند و در نتیجه فاصله بین پژوهش‌های حسابداری و عمل حسابداری در حال گسترش است (ریبل و پیره[4]، ۲۰۱۵). بین پژوهش‌های انجام شده در دانشگاه‌ها و نیازهای اعلام شده توسط افراد حرفه‌ای رابطه‌ای وجود ندارد (اعتمادی و فخاری، ۱۳۸۳). به گفته خواجوی و منصوری (۱۳۹۰) در حال حاضر حسابداری به عنوان یک رشته کاربردی-تکنیکی (حسابرسی، گزارشگری مالی، مدیریتی، مالیاتی و ...) تدریس می‌شود که تأکید ناچیزی بر کاربرد صنعت دارد.

1 Baldvinsdottir, Mitchell & Norreklit
2 Laughlin
3 Basu
4 Rebele & Pierre

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

انتقادهای زیادی بر کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری وارد شده است. در این راستا هاپوود[1] (۲۰۰۷) معتقد است پژوهش‌های حسابداری به اندازه کافی نوآورانه نبوده و به‌طور روزافزون از فعالیت‌های کاربردی و جامعه دور شده‌اند. در سال‌های اخیر ارتباط‌های اولیه حسابداری با اقتصادسنجی به‌طور پیوسته گسترش یافته و شامل رشته‌های علوم اجتماعی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مطالعات سازمانی گردیده است. پیشرفت بیشتر در این زمینه با استفاده از رشته‌های آنالیز ریاضی و شاید مهم‌ترین آن‌ها فلسفه، آشکار شده است. این پیشرفت‌های میان‌رشته‌ای زیربنای دستیابی به اعتبار علمی حسابداری را تشکیل می‌دهند. با این حال این موارد نیز به احتمال زیاد نتوانسته است پویایی و جنبه کاربردی در پژوهش‌های حسابداری، به وجود آورند (بالدوینس‌دوتیر و همکاران، ۲۰۱۰). با وجود پژوهش‌های بسیار در زمینه‌های مختلف حسابداری، به نظر می‌رسد که پژوهش‌های حسابداری نتوانسته است پاسخی کامل و بدون نقص به مسائل مطرح شده در حسابداری ارائه دهد. از طرف دیگر، این عدم پاسخگویی، سبب شده است که مسائل جدیدی در نتیجه این انباشت مسائل نیز پدید آید (دمسکی، دوپاچ، رانن، سرفوس و ساندر[2]، ۱۹۹۱).

وضعیت کنونی نشان می‌دهد که پژوهش‌های حسابداری در هر زمان به سویی رفته است و مجدداً به همان نقطه آغازین بازگشته است و تنها دستاورد این پژوهش‌ها، سؤالی جدید بوده است. بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده در ادبیات حسابداری، گویای این مطلب است که آنچه در پژوهش‌های حسابداری به آن پرداخته می‌شود، چیزی بیش از تحلیل همبستگی فرضیه‌ها نیست (شفیع‌پور و دادگر،۱۳۹۱). انجام پژوهش‌های آرشیوی[3]، مروری، نظری یا بنیادی و سایر پژوهش‌های حسابداری در توسعه و رشد تفکر حسابداری مؤثرند و به عقیده ولک، داد و تیزنی[4] (۲۰۰۴) بخش مهمی از تئوری حسابداری از فرآیند پژوهش، مشتق می‌شود؛ اما به این نکته نیز باید توجه کرد که مسائل و مشکلات کاربردی و سؤالات افراد شاغل در حرفه را نیز باید از مسیر پژوهش حل کرد و پاسخ داد و انتظار می‌رود که پژوهش‌های حسابداری این توانایی را داشته باشند.

رشد سریع مقالات چاپ شده، فصل‌نامه‌های علمی و پژوهشی و افزایش دانشجویان تحصیلات تکمیلی در سال‌های اخیر موجب افزایش اهمیت کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری شده است. بر این اساس سؤالی که در این پژوهش مطرح است این است که چه

1 Hopwood
2 Demski, Dopuch, Ronen, Searfoss & Sunder
3 Archival
4 Wolk, Dodd & Tearney

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

عواملی بر ایجاد شکاف[1] بین پژوهش‌های حسابداری و عملِ حسابداری مؤثر است و چگونه می‌توان این فاصله را کاهش داد و پژوهش‌گران را در حل مشکلات سازمان‌ها و شرکت‌ها سهیم کرد؟ آیا می‌توان در دوره‌ای که در آن پژوهشگر دانشگاهی برتر، پژوهشگری است که تعداد مقالات بیشتری در مجلات بین‌المللی با رتبه و ضریب تأثیر بالا داشته باشد، امیدوار به انجام پژوهش‌ها و طرح‌های پژوهشی در محیط عملی بود؟ آیا در محیطی که پژوهش‌های کمّی با زمانِ کم و با چاپ تعداد مقالات زیاد همراه است؛ می‌توان امیدوار به انجام پژوهش‌های کیفی و میدانیِ مرتبط با عمل بود؟ هرچند این مشکل فقط در حیطه رشته حسابداری نیست و در سایر رشته‌ها و زمینه‌های حرفه‌ای نیز وجود دارد. با بررسی صورت گرفته در پژوهش‌های داخلی مشخص شد پژوهشی که به صورت جامع به شناسایی و رتبه‌بندی این شاخص‌ها پرداخته باشد وجود ندارد؛ بنابراین شناسایی محرک‌های مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری می‌تواند زمینه و بستری برای تعامل دانشگاهیان و حرفه جهت کاهش فاصله پژوهش‌های حسابداری در دنیای عمل و حرفه و تمرکز بر پژوهش‌های کاربردی فراهم آورد. با این حال مطالعات معدودی در این زمینه نیز وجود دارد که تأثیر برخی از عوامل به‌ویژه آموزش، تدریس و پژوهش را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این رابطه بدری (۱۳۹۳) نشان داد روش‌شناسی پژوهش‌های تجربی مالی و حسابداری دچار نوعی آفت‌زدگی برون رشته‌ای است. توسلی، باقرپورولاشانی و ساعی (۱۳۹۶) نشان دادند دانشگاه در تأمین نیازهای حرفه در سه بخش سیستم کنترل داخلی، حسابرسی عملیاتی و بودجه‌ریزی عملیاتی به خوبی عمل نکرده است. نتایج پژوهش جامعی (۱۳۹۷) نشان داد که محتوای آموزشی برنامه حسابداری در آماده‌سازی دانشجویان برای انجام وظایفی با مهارت‌هایی در سطوح بالاتر مانند حسابرسی، طراحی سیستم و تصمیم‌گیری کافی و مناسب نیست.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند مورد استفاده نهادهای متولی پژوهش و آموزش در حوزه حسابداری و حسابرسی مانند وزارت علوم و تحقیقات و دوایر آموزشی نهادهای حرفه‌ای مانند سازمان حسابرسی و جامعه حسابداران رسمی جهت کاهش فاصله بین دانشگاه و حرفه قرار گیرد. بر این اساس هدف از این پژوهش شناسایی و رتبه‌بندی محرک‌ها و شاخص‌های مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری بر اساس دیدگاه هر دو سوی طیف (دانشگاهیان و شاغلین حرفه) و با استفاده از روش تحلیل شبکه است. در ادامه، مبانی نظری و تجربی پژوهش، محرک‌ها و شاخص‌های شناسایی شده، روش‌شناسی پژوهش، یافته‌های پژوهش و بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

1 Gap

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

۲- مبانی نظری و تجربی پژوهش

۲-۱- شکاف در پژوهش‌های حسابداری

عملِ حسابداری، نیازهای حرفه و پژوهش‌های مرتبط با آن همواره مورد بحث بوده است. در این راستا استرلینگ[1] (۱۹۹۰) معتقد است که سؤال بنیادی حسابداری این است که نحوه عمل حسابداری چه چیزی باید باشد؟ رامیرز، والدمن و لیزر[2] (۱۹۹۱) نشان دادند، باید نیازهای پژوهشی مدیران شناسایی و مدیران آن‌ها را اولویت‌بندی کنند و در این ارتباط محدوده‌های پژوهشی جدید برای پژوهش‌گران دانشگاهی تعریف شود. دمسکی و همکاران (۱۹۹۱) با بررسی پژوهش‌های دانشگاهی حسابداری بیان می‌نمایند که پژوهش‌های حسابداری منجر به کمک در تصمیم‌گیری نمی‌شوند، پژوهش‌های حسابداری باعث نوآوری نمی‌شوند، تقاضا برای پژوهش‌های حسابداری وجود ندارد و پژوهش‌های حسابداری عرضه مدار هستند. به گفته کاپلان[3] (۲۰۱۱) پژوهش‌های حسابداری عمدتاً به صورت نخبه‌گرایی آکادمیک انجام می‌شوند و این پژوهش‌ها ارتباط کمی با مشکلاتی که حسابداری با آن مواجه است دارد. موزر[4] (۲۰۱۲) بیان می‌نماید پژوهش‌های حسابداری محدود به یک سری موضوعات خاص هستند، روش‌های پژوهش آن‌ها مشابه و مبتنی بر تئوری‌های اقتصادی‌اند.

پژوهش‌های متعددی در سنوات اخیر در حوزه علل ناکارآمدی آموزش‌های دانشگاهیِ حسابداری برای آماده‌سازی دانشجویان جهت تصدی وظایف محوله انجام شده است که نتایج مربوطه اغلب بر این موارد تأکید دارند که اولاً؛ رشته حسابداری نتوانسته خود را همگام با پیشرفت‌های دیگر علوم به‌روز کرده، ثانیاً؛ در شیوه آموزش و انتقال مناسب همین معلومات حسابداری به دانشجویان در دانشگاه‌ها نیز خلأهای ملموسی وجود دارد (توسلی و همکاران، ۱۳۹۶). بر اساس بسیاری از پژوهش‌ها، یکی از مشکلات اساسی موجود در حسابداری، وجود فاصله‌ای عمیق میان آموزش مباحث نظری در دانشگاه‌ها و نیازهای حرفه حسابداری و حسابرسی است. عدم وجود تعامل مؤثر و سازنده میان پژوهش، آموزش و حرفه حسابداری یکی از دلایل ایجاد پیامدهای نامطلوب در حسابداری محسوب می‌گردد (رهنمای‌رودپشتی و طاهرآبادی، ۱۳۸۹).

1 Sterling
2 Ramirez, Waldman & Lasser
3 Kaplan
4 Moser

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

انتقادات فراوانی بر عدم ارتباط کافی بین پژوهش‌های حسابداری و عمل حسابداری انجام شده است. در این راستا اینانگا و اشنایدر[1] (۲۰۰۵) در پژوهشی با موضوع شکستِ پژوهش‌های حسابداری در توسعه عمل حسابداری، به بررسی مشکلات ناشی از نبود تئوری می‌پردازند. به نظر آن‌ها پژوهش‌های حسابداری، ارزشی در عمل حسابداری و پیشرفتی در رشته علمی دانشگاهی ایجاد نکرده است. نمازی، محمدیان و مهتری (۱۳۹۷) نیز معتقدند ساختاری جامع و یکسان برای نگارش مقاله‌های حسابداری وجود ندارد. هک و جنسن[2] (۲۰۰۷) در پژوهشی با نام تحلیلی بر انقلاب پژوهش‌ها بیان می‌نمایند که یک تغییر سریع در سیاست و رویه‌های حسابداری در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اتفاق افتاده است که منجر به تبدیل پژوهش‌گران حسابداری به عنوان کارمندان دفترداری گردیده است. از دیگر انتقادات پژوهش‌های حسابداری، گرایش بی‌رویه آن‌ها به سمت علوم مالی و اقتصادی با تأکید بر بازار سرمایه، کمّی بودن و میدانی نبودن آن‌هاست که علّت آن را می‌توان دسترسی آسان و سریع‌تر به پایگاه‌های داده مورد استفاده در پژوهش‌های بازار سرمایه، زمان‌بر و هزینه‌بر بودن پژوهش‌های کیفی و عدم همکاری سازمان‌های مورد مطالعه در پژوهش‌های میدانی دانست. به گفته بنی‌مهد، عربی و حسن‌پور (۱۳۹۵) در ایران نیز پس از تشکیل و رشد بورس اوراق بهادار، پژوهش‌های بسیاری در زمینه حسابداری انجام شده است؛ زیرا پژوهش‌گران و اساتید دانشگاه با دسترسی آسان‌تر به داده‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، قادر به انجام این نوع پژوهش‌ها شدند. نتایج پژوهش اولر[3] (۲۰۱۰) نشان داد که مجموعه در حال رشد پژوهش‌های حسابداری به‌طور فزاینده‌ای در رابطه با دو موضوع اقتصاد و امور مالی است و افزون بر آن، حسابداری مالی بیشترین موضوعات را به خود اختصاص داده و روش آرشیوی بر سایر روش‌ها غلبه یافته است. حجازی و شاهرخی (۱۳۹۳) بیان می‌نمایند، پژوهش‌گران دانشگاهی باید تمرکز بیشتری بر مسائل تخصصی داشته باشند و نتایج پژوهش تجربی را کنترل کنند تا بتوانند از آن‌ها برای پیشرفت و پشتیبانی جنبه‌های عملی استفاده کنند. فیضی، قاروی و اکبرپور (۱۳۹۲) معتقدند که جنبه‌های عملی و موضوعاتی که مستقیماً با محیط عملی در ارتباط است توسط پژوهش‌گران نادیده گرفته شده است.

1 Inanga & Schneider
2 Heck & Jensen
3 Oler

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

۲-۲- محرک‌ها و شاخص‌های ایجاد شکاف در پژوهش‌های حسابداری

معیارها و شاخص‌ها، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های آگاهانه در همه سطوح دارند. اساساً بدون سنجه‌ای به نام معیار و یا شاخص، ارزیابی امکان‌پذیر نیست و هرگونه بررسی و شناخت واقعی از طریق ابزار ارزیابی نیاز به تدوین معیار و شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری مطلوبیت یا عدم مطلوبیت وضع موجود دارد (ثقفی‌اصل، زبردست و ماجدی، ۱۳۹۳)؛ بنابراین در این پژوهش نیز محرک‌ها و شاخص‌های مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری ارائه شده است.

رضازاده (۱۳۹۲) معتقد است حسابداری نیز مانند علوم تجربی دارای سه بعد علمی، آموزشی و فنی است. با این حال به دلیل عدم توازن بین این بخش‌های سه‌گانه، همواره انتقاداتی نسبت به کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری مطرح شده است که عوامل گوناگونی بر آن تأثیرگذار است. بر اساس آنچه که گذشت و با مروری بر مبانی نظری و تجربی پژوهش، برخی از عواملی که بر ایجاد شکاف در پژوهش‌ها و آموزش حسابداری تأثیرگذار است در سه محرک شامل شکاف علمی (شکاف در دانش و آگاهی[۱]، شکاف مطالعاتی[۲] و شکاف آموزشی[۳])، شکاف اجتماعی (شکاف فرهنگی[۴]، شکاف انگیزشی[۵] و شکاف موضوعی[۶]) و شکاف ارتباطی (شکاف فعالیت[۷]، شکاف زمانی[۸] و شکاف انتشاراتی[۹]) به شرح زیر بیان می‌گردد.

۱. **شکاف در دانش و آگاهی‌ها**: بین پژوهش‌گران و افرادی که در حرفه فعالیت می‌نمایند معمولاً شکافی دانشی، مهارتی و ارتباطی وجود دارد و ارتباط آنان به لحاظ دانش و آگاهی در حدی نیست که بتواند زمینه‌ساز انتقال یافته‌های پژوهشی به عرصه عمل باشد. گویی هر یک مسیر متفاوتی را طی می‌کنند و علاقه‌ای به همسویی و همگرایی در این مسیر ندارند. برخی از دانشگاهیان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی، چندان دغدغه کاربردپذیری نتایج مطالعات خود را ندارند. در نتیجه بیش از آن‌که نگران این جنبه از پژوهش باشند، درگیر مسائل جزئی و حاشیه‌ای پژوهش هستند (فیشر[۱۰]، ۱۹۹۹). از سوی دیگر نیز افراد شاغل در حرفه، چندان

1 Knowledge Gap
2 Reading Gap
3 Learning Gap
4 Cultural Gap
5 Motivation Gap
6 Relevance Gap
7 Activity Gap
8 Immediacy Gap
9 Publication Gap
10 Fisher

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

توجهی به موضوع‌های موردعلاقه پژوهش‌گران ندارند و بین آنچه که در محیطِ کار انجام می‌دهند و آنچه در پژوهش‌ها انجام می‌شود، پیوند روشنی نمی‌بینند. همچنین احساس می‌شود بین محیط‌های آموزشی و عرصه‌های تجربی، شکاف وجود دارد. در این راستا خانی و طیبی (۱۳۹۴) نشان دادند مهارت‌های ارتباطاتی و تسلط بر فناوری اطلاعات، به ترتیب، بالاترین اولویت را برای شرکا و کارمندان مؤسسات حسابرسی دارا است. چیکو و چیکو[1] (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی علت شکست حرفهٔ حسابداری پرداخته‌اند؛ نتایج مطالعهٔ آن‌ها نشان می‌دهد که سیستم آموزشی فعلی تأکید بیش از اندازه‌ای بر مهارت‌های فنی دارد، این در حالی است که با توجه به متغیر بودن محیط بازار کار، کارفرمایان انتظار دارند که کارکنانی انعطاف‌پذیر با محیط و آشنا با نرم‌افزارهای حسابداری داشته باشند. در نتیجه، بین محتوای آموزشی و نیاز صنعت تناقض وجود دارد.

۲. **شکاف مطالعاتی**: معمولاً افراد شاغل در حرفه و اعضاء هیئت‌علمی آثار یکدیگر را کمتر مطالعه می‌کنند (علی[2]، ۱۹۸۶). به این معنا که علائق مطالعاتی آنان، چندان هم‌پوشانی ندارد. اعضاء هیئت‌علمی ترجیح می‌دهند مقاله‌های همکاران خود را مطالعه کنند، درحالی‌که افراد شاغل در حرفه رغبت زیادی به مطالعه این آثار ندارند، زیرا پیوندی بین آنچه در این آثار مطرح شده و آنچه آنان به عنوان مسائل واقعی حرفه دارند، دیده نمی‌شود. در این راستا توکر و لوو[3] (۲۰۱۱) دریافتند که افراد شاغل در عمل به نظر نمی‌رسد علاقه‌ای برای مطالعه، فهم و یا درگیر شدن در پژوهش‌های دانشگاهی را داشته باشند. در زمینه شکاف مطالعاتی، بین موضوعات نشریه‌های دانشگاهی و نشریات حرفه نیز شکاف عمیقی دیده می‌شود. در این رابطه خواجوی و منصوری (۱۳۹۰) معتقدند اساتید، متخصصان و مؤسسات دانشگاهی برای توسعه یکنواخت، مناسب و اثربخش سیستم‌های آموزشی نیاز به همکاری و مشارکت دائم با یکدیگر دارند. همچنین کینی[4] (۲۰۰۱) معتقد است که شاغلان آینده حسابداری نیازمندِ درکی از تغییراتی که در حرفه حسابداری رخ خواهد داد هستند و نیازمندند که در معرض پویایی‌های حسابداری قرار گیرند. بخشی از پویایی‌های حسابداری ناشی از مطالعات و پژوهش‌های این حوزه است که ضروری است طرفین به‌منظور بهبود این پژوهش‌ها به تعامل و روابط غنی مبادرت ورزند.

1 Che Ku & Che Ku
2 Ali
3 Tucker & Lowe
4 Kinney

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

۳. **شکاف آموزشی**: آموزش یک امر بسیار مهم برای پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی و همچنین پیشرفت آموزش عالی به حساب می‌آید و تأکید بر بهبود کیفیت و کارایی و نوآوری در زمینه عرضه آموزش باعث برطرف کردن و توسعه نیازهای فردی و انطباق با نیازهای جامعه و توسعه و رفع نیازهای آینده می‌شود (ونگ، لیو و کواین[1]، ۲۰۱۸). طی چندین دهه، اعضای برجسته جامعه حسابداری استدلال کرده‌اند که کیفیت آموزش حسابداری در حال افول است (مادسن[2]، ۲۰۱۵). پژوهش، آموزش و عمل سه بعد تأثیرگذار در دانش حسابداری هستند و انتظار بر این است که فارغ‌التحصیلان رشته، خدمات آموزشی کاربردی متناسب با انتظارات و نیازهای روز حرفه ببینند. ریبل و پیره (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان رکود در پژوهش‌های آموزشی حسابداری بیان می‌نمایند، بدنه مشترک دانش در رشته حسابداری در ۳۰ سال گذشته، تغییر کمی داشته است و تأثیر چندانی بر ارتقاء ادبیات آموزشی حسابداری نداشته است. استرلینگ[3] (۱۹۷۳) با بررسی رابطه پژوهش، آموزش و عمل حسابداری به این نتیجه رسید که پژوهش‌ها از آموزش و عمل فاصله گرفته است و بهتر است برای پژوهش مدار کردن کتب آموزشی، نتایج پژوهش‌ها در کتب آموزشی گنجانده شود. محسنی و صیادی (۱۳۹۹) معتقدند که یکی از روش‌های ارتباط و همکاری بین پژوهشگران حسابداری و اعضای حرفه، انجام پژوهش‌های مداخله‌ای است.

به گفته ژانگ[4] (۲۰۱۸) تحت نقش دوگانه دانش و عمل، باید استعدادهای جامع و برنامه‌های کاربردی را پرورش داده و بهینه‌سازی ساختاری و تخصیص منطقی در محیط آموزشی صورت گیرد و به طور فعال نوآوری و اصلاح شیوه تدریس را مورد بررسی قرار داده و استعدادهای حسابداری بیشتری را برای جامعه و بازار کار، آموزش دهیم. درنتیجه باید زمان آموزش‌های حسابداری به شکل عملی افزایش یابد و بین آموزش‌های عملی و تئوری توازن برقرار شود و در واقع جنبه تئوری و عمل با هم ترکیب شود. همچنین در تدریس عملی، اساتید باید دانشجویان را به‌درستی هدایت کنند و تأکید دانشجویان را بر جنبه‌های عملی بیشتر و الزامات سخت‌گیرانه در تدریس را بهبود بخشند تا دانشجویان بتوانند از طریق تمرین، درس‌های خوبی کسب کنند و به مهارت بالا دست یابند. در این راستا دیانتی‌دیلمی و پاکزاد (۱۳۹۶) نیز نشان دادند درجه اثربخش بودن آموزش حسابداری در دانشگاه‌های سطح شهر تهران، در سطح مطلوبی نیست. بخشانی (۱۳۹۷) نشان داد بین رشته تحصیلی و نگرش

1 Wang, Liu & Qin
2 Madsen
3 Sterling
4 Zhang

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

دانشجویان در مورد تطابق با اهداف رشته تحصیلی و تأثیر در راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار و همچنین کفایت آموزش‌های حسابداری ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش جامعی (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که محتوای آموزشی برنامه حسابداری جهت آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان برای انجام وظایف ابتدایی حسابداری شرکت‌ها مناسب است، ولی این محتوا در آماده‌سازی دانشجویان برای انجام وظایفی با مهارت‌هایی در سطوح بالاتر مانند حسابرسی، طراحی سیستم و تصمیم‌گیری کافی و مناسب نیست. خواجوی و رضایی (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش حسابداری با استفاده از روش زمینه بنیان دریافتند که شرایط علّی مؤثر بر کیفیت آموزش حسابداری شامل موارد آموزش عملیِ حسابداری، چارت سازمانی و مدیریتی، فرآیند آموزش و یادگیری، واحدهای آموزشی، نیازهای جامعه و حرفه، اعضای گروه آموزشی و دانشکده و دانشجویان است. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش حسینی و محمودخانی (۱۳۹۹) نشان می‌دهد، تعهد سازمانی، جنسیت، وجود دانشگاه‌های تحقیقاتی، عوامل فردی، ویژگی‌های پژوهش و سیاست‌های نشر و انگیزه از جمله عواملی هستند که بر بهره‌وری پژوهش، اثر می‌گذارند.

بخشی از پژوهش‌های حسابداری توسط دانشجویان تحصیلات تکمیلی به جهت الزام تحصیلی انجام می‌گردد. این‌گونه پژوهش‌ها که معمولاً به صورت الزامی است، به دلیل جهت‌دار نبودن و از هم‌گسیختگی و حتی در بعضی از مواقع قابل‌اتکا نبودن، فاقد ویژگی نوآوری و مربوط بودن است (اعتمادی و فخاری، ۱۳۸۳). نتایج پژوهش صالحی، نصیرزاده و رستمی (۱۳۹۳) نشان داد سیستم کنونی آموزش حسابداری نتوانسته به رسالت خود جهت تعلیم و تجهیز کافی دانشجویان با مفاهیم حسابداری جهت فعالیت مناسب در بازار کار عمل کند. چینوندو و نچی[1] (۲۰۲۰) معتقدند که اولین گام سیستم آموزش در عصر فناوری اطلاعات برای پاسخگویی به نیاز دانشجویان، انطباق روش‌های آموزش با محیط آموزشی است که پارادایم فناوری در آن غالب شده است. همچنین ولکات و سرجنت[2] (۲۰۲۱) معتقدند با توجه به تغییرات سریع محیطی، پژوهش‌های حوزه آموزش حسابداری باید بر انتقال مفاهیم و مهارت‌های تفکر انتقادی به دانشجویان باشد.

۴. **شکاف فرهنگی**: تفاوت محسوسی بین نگرش این دو گروه وجود دارد و هر یک بیشتر ترجیح می‌دهند با همکاران و هم‌گروه‌های خود در ارتباط باشند. ضمن آن‌که هم‌زبانی و همدلی لازم نیز میان این دو گروه دیده نمی‌شود. به همین دلیل، افراد شاغل تمایل چندانی به

1 Chinwendu & Nkechi
2 Wolcott & Sargent

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

شرکت در همایش‌ها و نشست‌های دانشگاهی ندارند و بیشتر گرفتار مسائل کاری خود هستند. درحالی‌که آنان در محیط کارشان مشغول رسیدگی به مسائل واقعی هستند، پژوهش‌گران در همایش‌های علمی درباره این مسائل گفتگو می‌کنند، بدون آن‌که ارتباط سازنده و کافی بین این دو گروه برقرار شود (هادو و کلوباس[1]، ۲۰۰۴). حرفه حسابداری متشکل از سه بخش پژوهش، سیاست‌گذاری و عمل است، بنابراین باید ارتباطات و همکاری‌های بیشتری در بین متخصصان، سیاست‌گذاران و پژوهش‌گران دانشگاهی وجود داشته باشد. ارتباطات حرفه‌ای نقش مهمی در انتقال یافته‌های پژوهش‌های دانشگاهی به متخصصان دارد (گاسری، باریت و ایونز[2]، ۲۰۱۱). در حوزه شکاف فرهنگی، گزاره اخلاق و نقش آن در ابعاد علمی، آموزشی و عملی در حسابداری و حسابرسی نیز حائز اهمیت است. به گفته محمودی[3] (۲۰۰۷) گسترش بداخلاقی علمی و پژوهشی و استفاده ابزاری از علوم و نوآوری‌های علمی، جامعه دانشگاهی را به چالش کشیده است. تا زمانی که جهت و اصل موضوع علم اصلاح نشود و اخلاق و معنویت جزء اصول قرار نگیرد، این مشکل لاینحل باقی خواهد ماند. استانکویچ و استانکویچ[4] (۲۰۱۳) به بررسی اهمیت رعایت اخلاق در پژوهش پرداختند. آنان بیان کردند آموزش رعایت اخلاق در مؤسسات پژوهشی باید اجباری گردد و اگرچه آموزش به تنهایی از سوء رفتار پژوهشی جلوگیری نمی‌کند، ولی دانشگاه‌ها باید به ترویج صداقت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در پژوهش اقدام نمایند. صفرزاده و بیگ‌پناه (۱۳۹۴) معتقدند سوء رفتار پژوهشی سبب لکه‌دار شدن شهرت و اعتبار مؤسسات پژوهشی می‌شود؛ بنابراین انتظار می‌رود که سوء رفتارهای پژوهشی موجب کاهش سطح اعتماد حرفه و صنعت به نتایج پژوهش‌ها و کاربردپذیری پایین آن‌ها گردد.

۵. **شکاف انگیزشی**: معمولاً انگیزه‌های این دو گروه با هم متفاوت است. پژوهش‌گرانی که در حوزه موضوع مشخصی پژوهش می‌کنند، علائق و انگیزه‌های متفاوتی با کارکنان همان حوزه دارند. ضمن آن‌که گروه دوم اساساً رغبتی به انجام پژوهش ندارند و بیشتر به اجرای وظایف کاری خود در قالب و فرمت معمول آن علاقه‌مند هستند، زیرا پژوهش، امتیاز مشخصی برای ارتقاء و ترفیع آنان به دنبال نخواهد داشت. اگر هم امتیازی در این زمینه در نظر گرفته شده باشد، کمتر از آن است که ارزش زحمتِ انجام پژوهش و مشکلات آن را داشته باشد (ترنر[5]،

1 Haddow & Klobas
2 Guthrie, Burritt & Evans
3 Mahmoudi
4 Stankovic & Stankovic
5 Turner

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

۲۰۰۲). آلبو و توآدر[1] (۲۰۱۲) ویژگی‌های پژوهش و رفتار پژوهش‌گران، انتظارات افراد شاغل در محیط عمل و نوع ارتباط بین پژوهش‌گران دانشگاهی و افراد شاغل در عمل را به عنوان دلایل شکاف، مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد افراد شاغل در عمل و پژوهش‌گران دانشگاهی دارای علائق و انگیزه‌های متفاوتی در پژوهش هستند و برقراری ارتباط بین آن‌ها بسیار سخت و پیچیده است. نتایج پژوهش پارکر و گاسری[2] (۲۰۱۱) نشان داد، افراد شاغل در حرفه، علاقه‌ای برای تأیید و اثبات اطلاعات پژوهشی ندارند و از اطلاعات تأمین شده به‌وسیله پژوهش‌های حسابداری در امور روزانه‌شان استفاده نمی‌کنند.

۶. **شکاف موضوعی**: موضوع‌های موردعلاقه این دو گروه با هم متفاوت است. گاهی پژوهشگران به موضوعی می‌پردازند که اساساً از نظر گروه دوم اهمیت چندانی ندارد و فاقد ارزش پژوهشی است. افراد شاغل در حرفه به دلیل ارتباط مستقیم و ملموس با محیط کاری با مسائلی روبرو هستند که ممکن است از نظر پژوهش‌گران دور بماند. چنانچه افراد شاغل بتوانند تجربه‌های واقعی خود را از محیط کار در اختیار پژوهش‌گران قرار دهند، همسویی بیشتری در انتخاب موضوع‌های پژوهشی ایجاد خواهد شد (پاول، بیکر و میکا[3]، ۲۰۰۲). در این راستا اعتمادی و فخاری (۱۳۸۳) در خصوص تبیین نیازها و اولویت‌های پژوهش‌های حسابداری، جهت همسویی پژوهش‌های آموزشی و عمل به این نتیجه رسیدند که بین دیدگاه‌ها و انتظارات پژوهش‌گران دانشگاهی و افراد حاضر در محیط عمل در خصوص اولویت‌های پژوهشی شکاف وجود دارد. همچنین شفیع‌پور و دادگر (۱۳۹۱) بیان می‌نمایند اغلب پژوهش‌های حسابداری با حرفه مرتبط نیستند، چرا که مسائل و موضوعات مورد توجه پژوهش‌گران دانشگاهی یا فاقد هرگونه فایده بوده و یا هیچ ارتباطی به حرفه حسابداری ندارند و به موضوعات و مسائل اساسی تأکید ندارند.

۷. **شکاف فعالیتی**: دانشگاهیان دارای انگیزه‌های محدود جهت قبول مسئولیت پژوهش‌های فعالیت‌مدار هستند (گاسری و همکاران، ۲۰۱۱). ماهیت کار افراد شاغل در حرفه با پژوهش‌گران و مدرسان این رشته متفاوت است (هاروی[4]، ۲۰۰۱). افراد حاضر در محیط‌های کاری بیش از آن‌که بتوانند وقت خود را به پژوهش و مطالعه اختصاص دهند، مجبور به انجام وظایف شغلی خود هستند و مطالعه و پژوهش برای آن‌ها اهمیت ثانویه دارد. این موضوع نیز

1 Albu & Toader
2 Parker & Guthrie
3 Powell, Baker & Mika
4 Harvey

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

می‌تواند دلیلی بر عدم انجام پژوهش در محیط حرفه باشد، چون مشتاقانی برای بررسی و مطالعه نتایج پژوهش وجود ندارد. اعضاء هیئت‌علمی بیشتر بر جنبه‌های علمی رشته تأکید دارند، درحالی‌که افراد شاغل به جنبه‌های حرفه‌ای آن نیازمند هستند. این موضوع می‌تواند بر ارتباط این دو گروه مؤثر باشد و مانعی در انجام پژوهش در حیطه عملی محسوب شود. انتظار می‌رود که طرفین، دانش و مهارت‌های کافی را داشته باشند. پایسری[1] (۲۰۱۰) با مطالعه نظر شاغلان در حرفه و استادان دانشگاه درباره دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان رشته حسابداری بیان می‌نماید که دانش‌آموختگان حسابداری به منظور موفقیت در تجارت الکترونیکی به دانش عمومی، فناوری، دانش سازمانی و دانش تجاری نیاز دارند. از نظر شاغلان در حرفه، مهارت‌های ذهنی و از نظر استادان دانشگاه، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های بین فردی، دانش حسابداری و توانایی رهبری از اولویت برخوردار بودند. به گفته برگس، سانتوس و لیل[2] (۲۰۱۴) مشارکت دانشگاه‌ها با کارفرمایان در زمینه مهارت‌ها و نیازهای جدید می‌تواند بدون شک به موفقیت مؤسسات عالی در توسعه مهارت‌های مورد نیاز به سطح مطلوب و افزایش سطح علمی و مهارتی حسابداران برای ورود به حرفه حسابداری کمک شایانی کند.

۸. **شکاف زمانی و عجله در دستیابی به راه‌حل**: در عرصه عمل نیاز به پاسخ‌های فوری برای مشکلات جاری است، نیازی که معمولاً امکان پاسخ سریع آن از مسیر پژوهش میسر نیست (علی، ۱۹۸۶)؛ زیرا پژوهش اگر بنیادی و اصولی انجام شود، فرآیندی زمان‌بر است و نمی‌تواند به سرعت پاسخ‌های مورد نیاز را فراهم آورد. تأخیر در انتشار مقاله‌های پژوهشی و صف‌های طولانی انتظار برای داوری و پذیرش مقاله‌های پژوهشی این مشکل را حادتر کرده است. گاه ممکن است مقاله‌ای که خود حاصل پژوهشی چند ساله است، بیش از یک سال نیز در انتظار انتشار باشد. به این ترتیب فاصله‌ای چند ساله بین طرح مسئله و انتشار یافته‌های پژوهشی که به آن مسئله پرداخته است ایجاد می‌شود.

پژوهش‌گران حسابداری (غالباً دانشگاهیان) و شاغلین حرفه، علایق و منافع مختلف و متضادی دارند. نکته مهم این است که اکثر پژوهش‌گران به نیازهای کوتاه‌مدت و سریع شاغلین حرفه بی‌توجه هستند؛ درحالی‌که شاغلین در حرفه، خواستار پژوهش‌های کوتاه‌مدت هستند که نتایج آن را بتوان در حل سریع مشکلات حرفه به کار گرفت؛ اما تأکید و توجه پژوهش‌گران بر ارتقای دوره‌های آکادمیک و ایجاد اعتبار حرفه‌ای بر مبنای مقالات منتشر شده است. در واقع

1 Paisey
2 Borges, Santos & Leal

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

وضعیت و ارزیابی پژوهش‌ها بر اساس تعداد نشریات منتشرکننده یافته‌های پژوهش آن‌هاست (رامیرز و همکاران، ۱۹۹۱) و نه بر اساس کیفیت مسئله یا یافته‌های پژوهش.

۹. **شکاف انتشاراتی**: به دلیل محدود بودن مجلات جهت چاپ مقالات حاصل از پژوهش، سیاست کلی مجلات بر این است که مقاله یک فرد با مرتبه علمی بالا و بر اساس روش‌های آماری و دانشگاهی پژوهش، نسبت به پژوهش‌های افراد شاغل در حرفه از اعتبار بالاتری برخوردار است و این موضوع ممکن است، باعث دلسردی افراد شاغل در عمل و حتی پژوهش‌گران دانشگاهی که طرح‌های پژوهشی را در محیط‌های کاربردی اجرا می‌کنند، گردد. بوگت و هلدن[1] (۲۰۱۴) با بررسی یک دیدگاه عملی در به‌کارگیری پژوهش‌های حسابداری در محیط عملی، به این نتیجه رسیدند که پژوهش‌های دانشگاهی انجام شده در محیط عملی نتایج زیادی دارد که برخی از آن‌ها مربوط به پژوهش‌گران دانشگاهی، برخی مربوط به افراد شاغل در حرفه و برخی دیگر که جزئی است، مربوط به هر دوی آن‌ها است. اساتید دانشگاه به خاطر فشار از سوی دانشگاه‌ها جهت چاپ مقالات در مجلات با رتبه بالا، ریسک انجام پژوهش در محیط عملی را نمی‌پذیرند و علاقه زیادی به این کار ندارند. گندرون[2] (۲۰۰۸) بیان می‌کند، دانشگاه‌ها به طور فزاینده‌ای بر رتبه مجلات متکی هستند و معیار اندازه‌گیری عملکرد اعضاء هیئت‌علمی، رتبه و ضریب تأثیر مجلاتی است که آن‌ها در آن مقاله چاپ کرده‌اند و نیز تعداد ارجاعات به مقالات آن‌ها است. ترفیع اعضاء هیئت‌علمی هم بر اساس تعداد مقالات چاپ شده در مجلات صورت می‌پذیرد و اعضاء هیئت‌علمی به نوشتن و هدایت پژوهش‌هایی که مقالات آن‌ها در مجلات با رتبه بالا قابل‌چاپ هستند تشویق می‌شوند و این انگیزه پژوهشگر را برای پژوهش‌های نوآورانه که ریسک عدم دستیابی به نتیجه در آن‌ها وجود دارد، کاهش می‌دهد.

لیبی[3] (۲۰۱۲) بیان می‌نماید چون کیفیت پژوهش بر اساس ضریب تأثیر مجلات سنجیده می‌شود، این موضوع می‌تواند زمینه سوء رفتارهای زیادی شود. به‌عنوان مثال زمانی که سردبیر مجله‌ای نویسنده را تشویق به ارجاع به پژوهش‌گران همان مجله می‌کند و یا وقتی مجلات بر پژوهش‌گرانی با تعداد ارجاعات بالا تأکید دارند، این امر پژوهش را تحت تأثیر قرار داده و به آن آسیب می‌رساند. لوکا[4] (۲۰۱۰) نشان داد که این روند باعث شده که اعضاء هیئت‌علمی، زمان لازم برای تدریس را کاهش دهند و درگیر کارهای مدیریتی نشوند و با نهادهای اجتماعی و انجمن‌های علمی کمتر همکاری کنند. وی نشان داد پژوهش‌های حسابداری به سمت

1 Bogt & Helden
2 Gendron
3 Libby
4 Lukka

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

پژوهش‌های آرشیوی و تجربیِ مبتنی بر اقتصاد حرکت می‌کنند و به پژوهش‌های کیفی کمتر پرداخته می‌شود.

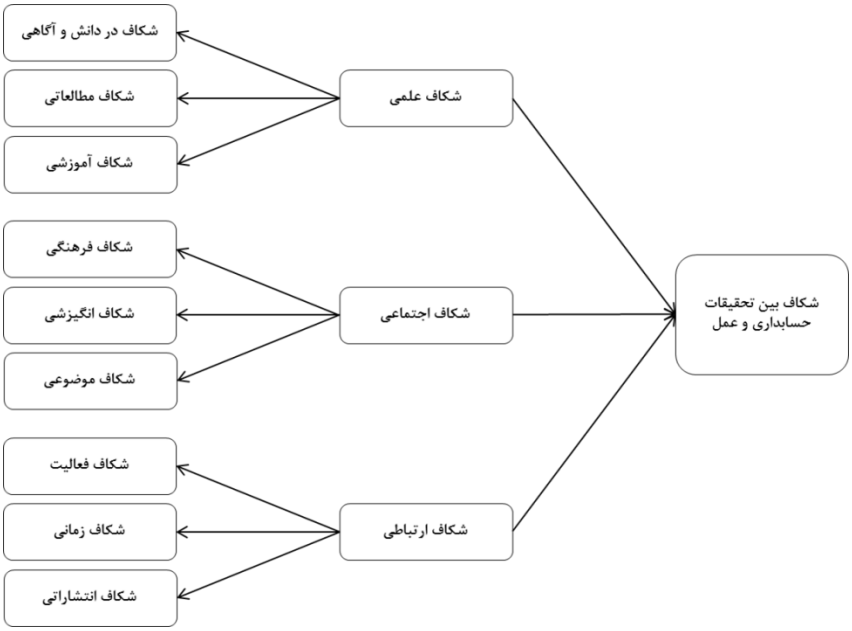
۳- سؤالات پژوهش

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که چه عواملی بر ایجاد شکاف بین پژوهش‌های حسابداری و عملِ حسابداری مؤثر است؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، سه محرک شامل شکاف علمی (شکاف در دانش و آگاهی، شکاف مطالعاتی و شکاف آموزشی)، شکاف اجتماعی (شکاف فرهنگی، شکاف انگیزشی و شکاف موضوعی) و شکاف ارتباطی (شکاف فعالیت، شکاف زمانی و شکاف انتشاراتی) بر اساس مبانی نظری و تجربی معرفی و سعی شد تا این محرک‌ها و شاخص‌ها مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت رتبه‌بندی گردند؛ به عبارت دیگر، پرسش‌های فرعی این پژوهش به شرح زیر است:

محرک‌ها و شاخص‌های مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری چیست؟

محرک‌ها و شاخص‌های مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری دارای چه وزن و رتبه‌ای هستند؟

با توجه به مطالعه مبانی نظری و تجربی، مدل مفهومی پژوهش به شرح شکل ۱ تبیین می‌گردد.



شکل (۱). مدل مفهومی پژوهش

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر دانش موجود در زمینه کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری را توسعه می‌دهد، بنابراین از لحاظ نتیجه اجرا، از نوع کاربردی، از نظر فرآیند اجرا، کیفی، از نظر هدف، اکتشافی و از نظر بعد زمانی، مقطعی است. این پژوهش در سه مرحله، مطالعه مبانی نظری (روش کتابخانه‌ای)، طراحی پرسش‌نامه محقق ساخته و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری انجام شده است. برای اطمینان از روایی پرسشنامه‌ها و به منظور بهره‌مندی از نظر متخصصان و خبرگان، پرسشنامه اولیه پس از تدوین، در اختیار تعدادی از دانشگاهیان و اعضای حرفه قرار گرفت و بر اساس دیدگاه آن‌ها بررسی و نهایی گردید. در پژوهش حاضر از نرم‌افزارهای اکسل ۲۰۱۰ برای تحلیل داده‌های خام و نرم‌افزار سوپردسیشن برای تحلیل نهایی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل گروه‌های زیر است:

۱. گروه اول نمایندگان دانشگاهیان شامل اساتید حسابداری و دانشجویان دکتری حسابداری دانشگاه‌های کشور.
۲. گروه دوم متشکل از نمایندگان شاغل در حرفه شامل مدیران مالی، حسابداران، حسابداران رسمی و حسابرسان داخلی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

در این پژوهش پرسش‌نامه‌ها به شکل آنلاین طراحی و بین پاسخ‌دهندگانِ نمونه انتخابی توزیع شد. تعداد ۲۱۴ پرسش‌نامه آنلاین به‌وسیله ایمیل و شبکه‌های اجتماعی ارسال و در نهایت ۱۳۹ پرسشنامه دریافت و تحلیل شد. هدف این پژوهش شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری است که برای این منظور پرسش‌نامه با مقیاس مقایسه زوجی تهیه گردید. بررسی اولیه پرسش‌نامه، نشان می‌دهد که با آلفای کرونباخ ۹۳ درصد پرسش‌نامه از اعتبار کافی برای آزمون برخوردار است. همچنین برای رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری از روش تحلیل شبکه استفاده شده است که در ادامه به تبیین کامل این روش پرداخته می‌شود.

فرآیند ساخت مدل و تبدیل مسئله به یک ساختار شبکه

در میان روش‌های ارزیابی چند معیاره، فرآیند تحلیل سلسله مراتبی از جامع‌ترین مدل‌هایی است که برای حل مسائل تصمیم‌گیری و رتبه‌بندی پیچیده چندمعیاره مورد توجه واقع شده است. فرآیند تحلیل شبکه شکل گسترده‌ای از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی با تمام ویژگی‌های مثبت آن است، مضاف بر این‌که می‌تواند ارتباطات پیچیده (وابستگی متقابل و بازخورد) بین

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

و میان عناصر تصمیم را با به‌کارگیری ساختار شبکه‌ای به‌جای ساختار سلسله مراتبی در نظر بگیرد. فرآیند تحلیل شبکه دارای چهار گام به شرح زیر است:
۱) ساخت مدل و تبدیل مسئله به یک ساختار شبکه، ۲) تشکیل ماتریس مقایسه زوجی و تعیین بردارهای اولویت، ۳) تشکیل سوپرماتریس و تبدیل آن به سوپرماتریس حد و در نهایت ۴) انتخاب گزینه برتر (سلیمانی‌امیری و طاهری، ۱۳۹۷).

در این پژوهش ساختار شبکه با بررسی مبانی نظری پژوهش به دست آمده است. به عبارتی پرسش‌نامه‌هایی که با معیار لیکرت به بررسی نظرات پاسخ‌دهندگان می‌پردازد، استفاده نمی‌شود و پرسش‌نامه مقایسه زوجی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ارزیابی نرخ ناسازگاری محرک‌ها و شاخص‌ها

در ماتریس مقایسه زوجی عناصر تصمیم در هر یک از خوشه‌ها، بر اساس میزان اهمیت آن‌ها در ارتباط با معیارهای کنترلی دو به دو مقایسه می‌شوند. خوشه‌ها نیز بر اساس نقش و تأثیر آن‌ها در دستیابی به هدف، مقایسه زوجی می‌شوند. اهمیت نسبی عناصر بر اساس مقیاس ۹ کمیتی توماس ال ساتی سنجیده می‌شود (قدسی‌پور، ۱۳۸۴). این روش با در نظر گرفتن اثر هم‌زمان کلیه معیارهای دخیل و مقایسه امتیازات آن‌ها به اولویت‌بندی گزینه‌ها پرداخته و با به‌کارگیری روابط معرفی شده گزینه مطلوب را تعیین می‌کند (ملکیان، فخاری، کامیابی و پاکدلان، ۱۳۹۷). نرخ ناسازگاری زیرِ ۰/۱ نشان‌دهنده نتایج قابل‌اعتماد و سازگاری درونی و منطقی وزن محرک‌ها است.

دستیابی به وزن و رتبه محرک‌ها و شاخص‌ها

برای این‌که بتوان فرآیند تشکیل و تحلیل شبکه را انجام داد، باید مقایسه دودویی محرک‌ها و شاخص‌ها را انجام داد. هدف از مقایسه دودویی شاخص‌ها، تشکیل ماتریس محرک‌ها و شاخص‌ها در چارچوب ساختار سوپرماتریس اولیه (ناموزون) است. برای به دست آوردن اهمیت نسبی شاخص‌ها در سوپرماتریس اولیه لازم است ماتریس شاخص‌ها به‌گونه‌ای محاسبه شود که شاخص‌های ستونی آن به عنوان عناصر کنترلی در نظر گرفته شود. به عبارتی شاخص‌های ستونی غیر صفر سوپرماتریس اولیه با سایر شاخص‌های واقع در آن ستون مقایسه دودویی شود تا بردار اهمیت هر شاخص و نهایتاً رتبه‌بندی اهمیت هر یک مشخص شود. سپس بر اساس داده‌های به دست آمده از مقایسات دودویی و البته تعریف روابط شاخص‌ها و محرک‌ها با یکدیگر مدل تحلیل شبکه محرک‌های شکاف در پژوهش‌های حسابداری در نرم‌افزار طراحی گردید که بر اساس نتایج حاصله، ماتریس ناموزون (اولیه)، موزون و حدی جهت رتبه‌بندی به دست آمد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

برای دستیابی به وزن و رتبه نهایی محرک‌ها و شاخص‌ها، باید سه سوپرماتریس تشکیل گردد. سوپرماتریس اولیه با استفاده از اوزان خام محرک‌ها و شاخص‌ها تشکیل گردید. در ادامه از نتایج سوپرماتریس اولیه برای تشکیل سوپرماتریس موزون استفاده و اعداد سوپرماتریس اولیه بر جمع اعداد هر ستون تقسیم و سوپرماتریس موزون تشکیل می‌گردد. در پایان اعداد سوپرماتریس موزون به توان رسیده تا سوپرماتریس حدی تشکیل گردد. از نتایج سوپرماتریس حدی برای وزن‌دهی و رتبه‌بندی استفاده می‌شود. در نهایت برای محاسبه وزن نهایی و در نتیجه رتبه‌بندی محرک‌ها، باید با استفاده از سوپرماتریس حدی، ستون وزن نرمال را به دست آورد.

۵- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان به سؤالات پرسش‌نامه

هدف این پژوهش شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری است که برای این منظور پرسش‌نامه با مقیاس مقایسه زوجی تهیه گردید و در ابتدا تعداد ۳۰ پرسشنامه جهت سنجش پایایی بین اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه توزیع شد که مقدار ۰/۹۳ حاصل شد که بیشتر از ۰/۷ است و بیانگر پایایی است و امکان توزیع پرسشنامه نهایی مهیا و در نهایت تعداد ۱۳۹ پرسشنامه از مجموع ۲۱۴ پرسشنامه ارسال شده در سال ۱۳۹۸ توسط اساتید حسابداری و دانشجویان دکتری حسابداری دانشگاه‌های کشور و شاغلین حرفه شامل مدیران مالی، حسابداران، حسابداران رسمی و حسابرسان داخلی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تکمیل و تجزیه و تحلیل شد. در جدول (۱) مشخصات کلی پاسخ‌دهندگان گزارش شده است.

جدول (۱). آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان

معیار اصلی طبقه‌بندی	معیار فرعی طبقه‌بندی	تعداد	درصد	معیار اصلی طبقه‌بندی	معیار فرعی طبقه‌بندی	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۱۰۴	۷۴/۸		کمتر از ۱۰ سال	۴۱	۲۹/۵
	زن	۳۵	۲۵/۲	تجربه کاری	۱۰ سال تا ۲۰ سال	۵۵	۳۹/۵
رشته تحصیلی	حسابداری	۱۱۲	۸۰/۵		بیشتر از ۲۰ سال	۴۳	۳۱
	حسابرسی	۱۶	۱۱/۵		استاد حسابداری	۳۸	۲۷/۳
	مدیریت و اقتصاد	۱۱	۸		دانشجوی دکتری حسابداری	۲۴	۱۷/۳
مدرک تحصیلی	کارشناسی	۳۹	۲۸	رده شغلی	مدیران مالی	۱۶	۱۱/۵
	کارشناسی ارشد	۶۸	۴۸/۹		حسابداران	۲۰	۱۴/۴
	دکتری	۳۲	۲۳/۱		حسابداران رسمی	۲۹	۲۰/۹

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

معرفی و تأیید محرک‌ها و شاخص‌های هر محرک

با مطالعه و مرور مبانی نظری و تجربی پژوهش، برخی از محرک‌هایی که بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری تأثیرگذار است، با بررسی مشابهت‌ها و تفاوت‌هایشان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و سپس در قالب ۳ محرک و ۹ شاخص طبقه‌بندی گردید. در ادامه جهت بومی‌سازی این محرک‌ها طی پرسشنامه از پاسخ‌دهندگان خواسته شد که بر اساس طیف ۱ تا ۵ لیکرت (۱= اهمیت خیلی کم، ۲= اهمیت کم، ۳= اهمیت متوسط، ۴= اهمیت زیاد، ۵= اهمیت خیلی زیاد) به هر شاخص امتیاز دهند. سپس میانگین امتیازات هر شاخص محاسبه شد. چنانچه میانگین امتیاز شاخصی از عدد ۳ کمتر باشد حذف می‌گردد. نتایج نشان داد که میانگین تمامی شاخص‌ها بالاتر از عدد ۳ است و در نتیجه تمامی شاخص‌ها مورد تأیید است. درخت مدل محرک‌های شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری و نتایج تأیید این محرک‌ها در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲). معرفی محرک‌ها و شاخص‌های مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری

محرک‌ها	کد	شاخص‌ها	کد	میانگین امتیازات
شکاف علمی	A	شکاف در دانش و آگاهی‌ها	a1	۳/۶۸۲
		شکاف مطالعاتی	a2	۳/۸۸۶
		شکاف آموزشی	a3	۴/۰۰۰
شکاف اجتماعی	B	شکاف فرهنگی	b1	۳/۹۹۷
		شکاف انگیزشی	b2	۳/۸۰۱
		شکاف موضوعی	b3	۳/۵۵۹
شکاف ارتباطی	C	شکاف فعالیتی	c1	۳/۲۲۹
		شکاف زمانی	c2	۳/۱۱۱
		شکاف انتشاراتی	c3	۳/۰۱۳

روش تحلیل شبکه

ارزیابی نرخ ناسازگاری محرک‌های شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری

جهت بررسی نرخ ناسازگاری محرک‌های شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری، ماتریس مقایسه زوجی محرک‌ها تهیه و در جدول (۳) ارائه شده است. بدین منظور از میانگین هندسی نظرات گروهی حاصل از پرسش‌نامه استفاده شده است. نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی معادل ۰/۰۳۱ شده است و چون کمتر از ۰/۱ است، سازگاری قابل‌قبول است؛ به عبارت دیگر، وجود هیچ‌کدام از محرک‌ها (شکاف علمی، شکاف اجتماعی، شکاف ارتباطی) تضادی با وجود سایر محرک‌ها ندارد و تحلیل داده‌های به دست آمده حاکی از آن است که کلیه محرک‌های شناسایی شده از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، می‌توانند هم‌زمان با سایر محرک‌ها، به عنوان محرک‌های شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری در نظر گرفته شوند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

جدول (۳). ارزیابی نرخ ناسازگاری محرک‌های شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری

محرک	(A)	(B)	(C)	وزن
(A)	۱	۰/۶۵۱	۰/۷۸۲	۰/۱۲۹
(B)	۱/۵۳۶	۱	۱/۲۵۴	۰/۲۳۵
(C)	۱/۲۷۹	۰/۷۹۷	۱	۰/۱۴۷

(نرخ ناسازگاری: ۰/۰۳۱)

ارزیابی نرخ ناسازگاری شاخص‌های شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری

پس از تعیین وابســـتگی متقابل بین محرک‌ها، باید نرخ ناسازگاری شاخص‌های شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری محاسبه گردد. مقایســـه دودویی بین شاخص‌های مربوط به هر یک از محرک‌ها در جدول (۴) ارائه شـــده است. با توجه به این‌که نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی کلیه شاخص‌ها کمتر از آستانه مورد پذیرش است، بنابراین می‌توان فرآیند تحلیل شبکه (تشکیل ماتریس اولیه، موزون و حدی) را ادامه داد.

هر کدام از سلول‌های جدول (۴)، تقاطع دو محرک (سطر و ستون) است که در واقع امتیاز مقایسه زوجی است. به عنوان مثال تقاطع محرک a1 و a2 عدد ۱/۲۱۱ است که بیانگر میانگین هندسی نظرات ۱۳۹ خبره در رابطه با مقایسه اهمیت دو محرک a1 و a2 است؛ بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که کدام‌یک از این دو محرک، با اهمیت‌تر هستند و به چه اندازه؟ ۱۳۹ خبره به این سؤال بر اساس طیف ۱ تا ۹ پاسخ داده و سپس از پاسخ‌های داده شده میانگین هندسی گرفته می‌شود که این عدد حاصل شده است. همچنین اعداد قطر اصلی، چون تقاطع دو محرک همنام هستند برابر با عدد ۱ بوده که حاکی از اهمیت برابر است. همچنین اعداد متناظر بالا و پایین قطر اصلی، معکوس هم هستند.

جدول (۴). ارزیابی نرخ ناسازگاری شاخص‌های شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری

شاخص‌های شکاف علمی (نرخ ناسازگاری: ۰/۰۳۷)				
شاخص‌ها	(a1)	(a2)	(a3)	وزن
(a1)	۱	۱/۲۱۱	۱/۱۰۱	۰/۱۸۱
(a2)	۰/۸۲۵	۱	۱/۲۱۶	۰/۲۰۱
(a3)	۰/۸۲۶	۰/۸۲۲	۱	۰/۱۷۳
شاخص‌های شکاف اجتماعی (نرخ ناسازگاری: ۰/۰۳۱)				
شاخص‌ها	(b1)	(b2)	(b3)	وزن
(b1)	۱	۳/۳۸۷	۳/۰۰۵	۰/۴۸۷
(b2)	۰/۲۹۵	۱	۱/۵۴۳	۰/۱۹۰
(b3)	۰/۲۲۲	۰/۶۴۸	۱	۰/۲۵۶
شاخص‌های شکاف ارتباطی (نرخ ناسازگاری: ۰/۰۲۱)				
شاخص‌ها	(c1)	(c2)	(c3)	وزن
(c1)	۱	۲/۱۱۹	۱/۹۹۷	۰/۱۴۶
(c2)	۰/۴۷۲	۱	۱/۷۵۵	۰/۱۱۵
(c3)	۰/۳۵۴	۰/۵۷۰	۱	۰/۱۳۵

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

ارزیابی اهمیت محرک‌ها و شاخص‌ها

سوپر ماتریس اولیه، موزون و حدی

برای بررسی و ارزیابی اهمیت محرک‌ها و شاخص‌ها در مقایسه با سایر محرک‌ها و شاخص‌ها، سوپرماتریس اولیه تشکیل می‌گردد. اوزان محرک‌های برآوردی جدول (۵)، بدون در نظر گرفتن روابط درونی است، حال آن‌که وزن نهایی مدل تحلیل شبکه نیازمند تشکیل سوپرماتریس است. در این گام با استفاده از وزن‌های نسبی محاسبه شده در مراحل قبل سوپرماتریس اولیه تشکیل شده که در جدول (۵) ارائه شده است؛ اعداد هر ستون، وزن و اهمیت محرک‌ها و شاخص‌ها را در مقایسه با سایر محرک‌ها و شاخص‌ها نشان می‌دهد. به عنوان نمونه، مقایسه وزن محرک‌ها در مقایسه با سایر محرک‌ها و همچنین در مقایسه با شاخص‌های تشکیل‌دهنده همان محرک سنجیده می‌شود. همچنین منظور از عدد ستون هدف که در سوپرماتریس اولیه تنها مربوط به محرک‌ها است، به مفهوم همگرایی وزن‌های به دست آمده برای هر محرک است که به سمت آن عدد میل می‌کند. سوپرماتریس اولیه، اولین مرحله از مراحل سه‌گانه برای رسیدن به سوپرماتریس حدی (سوپرماتریس رتبه‌بندی) است. از اعداد به دست آمده در سوپرماتریس اولیه، می‌توان وزن اولیه محرک‌ها و شاخص‌ها را متوجه شد و سپس از آن‌ها برای تشکیل سوپرماتریس موزون و نرمال استفاده کرد.

جدول (۵). سوپر ماتریس اولیه محرک‌ها و شاخص‌ها

		A	B	C	هدف
محرک‌ها	A	۰	۰/۱۹۹	۰/۱۷۱	۰/۱۳۵
	B	۰/۲۸۹	۰	۰/۲۲۷	۰/۲۴۴
	C	۰/۱۸۵	۰/۲۰۵	۰	۰/۱۵۱
شاخص‌ها	a1	۰/۱۹۳	۰	۰	۰
	a2	۰/۲۰۰	۰	۰	۰
	a3	۰/۱۷۰	۰	۰	۰
	b1	۰	۰/۵۹۶	۰	۰
	b2	۰	۰/۲۰۸	۰	۰
	b3	۰	۰/۱۶۸	۰	۰
	c1	۰	۰	۰/۴۱۲	۰
	c2	۰	۰	۰/۱۹۷	۰
	c3	۰	۰	۰/۲۰۰	۰

تشکیل سوپرماتریس موزون

پس از تشکیل سوپرماتریس اولیه (ناموزون)، باید سوپرماتریس اولیه را موزون کرد. بدین منظور در این مرحله، هر درایه سوپرماتریس اولیه بر مجموع درایه‌های ستون تقسیم می‌شود. ستون هدف، در واقع همان مسئله اصلی پژوهش است که رتبه‌بندی و اولویت‌بندی محرک‌های شکاف در پژوهش‌های حسابداری است. در نتیجه این ستون در این مرحله فقط برای محرک‌ها محاسبه و گزارش شده است. سوپرماتریس موزون در جدول (۶) آورده شده است. پس از تشکیل سوپرماتریس موزون باید اقدام به تشکیل سوپرماتریس حدی نمود.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

جدول (۶). سوپر ماتریس موزون محرک‌ها و شاخص‌ها

		A	B	C	هدف
محرک‌ها	A	۰	۰/۱۹۹	۰/۱۷۱	۰/۱۳۵
	B	۰/۲۸۹	۰	۰/۲۲۷	۰/۲۴۴
	C	۰/۱۸۵	۰/۲۰۵	۰	۰/۱۵۱
شاخص‌ها	a1	۰/۱۹۳	۰	۰	۰
	a2	۰/۲۰۰	۰	۰	۰
	a3	۰/۱۷۰	۰	۰	۰
	b1	۰	۰/۵۹۶	۰	۰
	b2	۰	۰/۲۰۸	۰	۰
	b3	۰	۰/۱۶۸	۰	۰
	c1	۰	۰	۰/۴۱۲	۰
	c2	۰	۰	۰/۱۹۷	۰
	c3	۰	۰	۰/۲۰۰	۰

تشکیل سوپر ماتریس حدی

هدف از تشکیل سوپرماتریس حدی، مشخص نمودن وزن نهایی محرک‌ها و شاخص‌ها و استفاده از این اوزان برای رتبه‌بندی است. رتبه‌بندی نهایی محرک‌ها و شاخص‌ها با استفاده از اعداد همگرا شده، انجام می‌شود. مرحله نهایی قبل از تعیین اوزان و رتبه‌بندی، تشکیل سوپرماتریس حدی است. در این گام باید سوپرماتریس موزون را به توان اعداد فرد متوالی رساند. این فرآیند تا جایی ادامه پیدا می‌کند که درایه‌های هر سطر، همگرا به سمت یک عدد شود. به عنوان نمونه در ستون اول (محرک اول) پس از چندین بار به توان رساندن اعداد، ستون‌ها و ستون هدف در عدد ۰/۰۸۱ همگرا شده‌اند؛ به عبارت دیگر، از نظر افراد پاسخ‌دهنده به سؤالات پرسش‌نامه، وزن محرک اول در مقایسه با سایر محرک‌ها به عدد ۰/۰۸۱ میل می‌کند. از اعداد سوپرماتریس حدی برای وزن‌دهی و رتبه‌بندی نهایی استفاده می‌شود. این اعداد در جدول (۷) آورده شده است.

جدول (۷). سوپرماتریس حدی محرک‌ها و شاخص‌ها

		A	B	C	هدف
محرک‌ها	A	۰/۰۸۱	۰/۰۸۱	۰/۰۸۱	۰/۰۸۱
	B	۰/۰۹۹	۰/۰۹۹	۰/۰۹۹	۰/۰۹۹
	C	۰/۰۷۹	۰/۰۷۹	۰/۰۷۹	۰/۰۷۹
شاخص‌ها	a1	۰/۰۲۰	۰/۰۲۰	۰/۰۲۰	۰/۰۲۰
	a2	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴
	a3	۰/۰۱۷	۰/۰۱۷	۰/۰۱۷	۰/۰۱۷
	b1	۰/۰۴۴	۰/۰۴۴	۰/۰۴۴	۰/۰۴۴
	b2	۰/۰۱۶	۰/۰۱۶	۰/۰۱۶	۰/۰۱۶
	b3	۰/۰۲۱	۰/۰۲۱	۰/۰۲۱	۰/۰۲۱
	c1	۰/۰۳۹	۰/۰۳۹	۰/۰۳۹	۰/۰۳۹
	c2	۰/۰۱۶	۰/۰۱۶	۰/۰۱۶	۰/۰۱۶
	c3	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

وزن نهایی محرک‌ها، شاخص‌ها و انتخاب گزینه برتر

وزن نهایی و رتبه‌بندی محرک‌ها

وزن و رتبه سایر محرک‌ها در جدول (۸) گزارش شده است. وزن محرک شکاف علمی برابر با ۰/۱۹۰۲ است که دارای بالاترین وزن در بین محرک‌ها است و به عنوان مهم‌ترین محرک شناخته می‌شود. همچنین، شکاف ارتباطی با وزن ۰/۱۷۶۳ رتبه دوم و شکاف اجتماعی با وزن ۰/۱۶۱۱ رتبه سوم را کسب کرده است.

جدول (۸). وزن و رتبه نهایی محرک‌ها

محرک	کد	وزن حاصل از سوپرماتریس	وزن نرمال	رتبه
شکاف علمی	(A)	۰/۰۹۰۴	۰/۳۵۸۱	۱
شکاف اجتماعی	(B)	۰/۰۷۵۵	۰/۲۹۹۱	۳
شکاف ارتباطی	(C)	۰/۰۸۶۵	۰/۳۴۲۸	۲

وزن نهایی و رتبه‌بندی شاخص‌ها

پس از رتبه‌بندی محرک‌ها با استفاده از سوپرماتریس حدی، وزن و رتبه شاخص‌ها به دست آمده که نتایج آن در جدول (۹) گزارش شده است. برای رتبه‌بندی نهایی شاخص‌ها از ستون وزن نرمال استفاده می‌شود. این ستون از تقسیم وزن هر سلول سوپرماتریس حدی بر مجموع وزن سوپرماتریس حاصل شده است. تفسیر این یافته‌ها نیز دقیقاً مشابه با جدول (۸) (وزن و رتبه نهایی محرک‌ها) است؛ به عبارت دیگر هر شاخصی که وزن بالاتری را کسب کرده باشد، اهمیت و رتبه بالاتری نیز دارد. به عنوان نمونه، وزن نرمال شکاف در دانش و آگاهی برابر با ۰/۱۲۶۳ و وزن نرمال شکاف آموزشی برابر با ۰/۲۵۱۷ است. از آنجا که وزن نرمال شکاف آموزشی بالاتر از وزن نرمال شکاف در دانش و آگاهی است، در نتیجه شکاف آموزشی رتبه بالاتر و بهتری نسبت به شکاف در دانش و آگاهی کسب کرده است. برای کلیه شاخص‌ها می‌توان چنین تفاسیری را در نظر گرفت. در نهایت نتایج رتبه‌بندی ۹ شاخص نشان داد که شکاف آموزشی، شکاف فعالیتی و شکاف فرهنگی دارای بالاترین اهمیت و رتبه است. وزن و رتبه سایر شاخص‌ها نیز در جدول (۹) ارائه شده است.

جدول (۹). وزن و رتبه نهایی شاخص‌ها

محرک	کد	وزن حاصل از سوپر ماتریس	وزن نرمال	رتبه
شکاف در دانش و آگاهی‌ها	a1	۰/۰۲۴۲	۰/۱۲۶۳	۴
شکاف مطالعاتی	a2	۰/۰۱۱۳	۰/۰۵۹۱	۶
شکاف آموزشی	a3	۰/۰۴۸۲	۰/۲۵۱۷	۱
شکاف فرهنگی	b1	۰/۰۳۰۶	۰/۱۵۹۸	۳
شکاف انگیزشی	b2	۰/۰۱۵۲	۰/۰۷۹۴	۵
شکاف موضوعی	b3	۰/۰۰۸۰	۰/۰۴۱۸	۹
شکاف فعالیتی	c1	۰/۰۳۴۵	۰/۱۸۰۱	۲
شکاف زمانی	c2	۰/۰۰۹۴	۰/۰۴۹۱	۸
شکاف انتشاراتی	c3	۰/۰۱۰۱	۰/۰۵۲۷	۷

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

۶- نتیجه‌گیری و بحث

در سال‌های اخیر همواره انتقادات فراوانی نسبت به کاربردپذیری پژوهش‌ها و آموزش حسابداری مطرح شده است؛ بنابراین هدف این پژوهشِ کیفی و اکتشافی، شناسایی محرک‌ها و شاخص‌های مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری با استفاده از مبانی نظری و تجربی و رتبه‌بندی آن‌ها با به‌کارگیری تکنیک‌های آماری است. بر این اساس سه محرک شکاف علمی، شکاف اجتماعی و شکاف ارتباطی و ۹ شاخص شکاف در دانش و آگاهی، شکاف مطالعاتی، شکاف آموزشی، شکاف فرهنگی، شکاف انگیزشی، شکاف موضوعی، شکاف فعالیت، شکاف زمانی و شکاف انتشاراتی شناسایی و آزمون گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد در بین محرک‌ها، به ترتیب شکاف علمی، شکاف ارتباطی و شکاف اجتماعی از نظر افراد خبره دارای بالاترین اهمیت بوده و همچنین رتبه‌بندی عوامل نیز نشان داد که شاخص شکاف آموزشی، شکاف فعالیتی و شکاف فرهنگی دارای بالاترین رتبه می‌باشند. با توجه به نقش بااهمیت آموزش و انتقال مفاهیم و کاربردپذیری آن، محرک شکاف علمی و شاخص آموزشی بر اساس دیدگاه خبرگان مؤثرترین عامل شناخته شده است.

با توجه به استخراج شاخص‌های ایجاد شکاف بر اساس مبانی نظری و تجربی پژوهش، نتایج این پژوهش در حوزه شاخص شکاف آموزشی همسو با یافته‌های ریبل و پیره (۲۰۱۵)، چیکو و چیکو (۲۰۱۴)، اعتمادی و فخاری (۱۳۸۳)، صالحی و همکاران (۱۳۹۳)، صفرزاده و بیگ‌پناه (۱۳۹۴) و دیانتی‌دیلمی و پاکزاد (۱۳۹۶) است که نشان دادند ارتباط کافی بین ادبیات آموزشی و عمل حسابداری وجود ندارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، طبق نظر اعضای حرفه و دانشگاهیان، پژوهش‌های حسابداری به نحو مطلوب نتوانسته است در دنیای عمل بکار گرفته شود. جهت کاهش این فاصله مطلوب است پژوهش‌های حسابداری، پژوهش‌های درگیر با عمل گردند و همگرایی و همسویی بین دانشگاهیان و اعضای حرفه بیش از پیش گردد و هر دو گروه در تعریف اهداف پژوهش، انتخاب مفاهیم و روش‌ها و همچنین هدایت فعالیت‌های پژوهش و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پژوهش سهیم شوند و به‌ویژه پژوهش‌گران را در حل مشکلات سازمان‌ها و شرکت‌ها سهیم کرد و پیوند آن‌ها را با دنیای حرفه به وسیله طرح‌های پژوهشی دارای اولویتِ شرکت‌ها و سازمان‌ها تقویت نمود. همچنین جهت کاهش فاصله، طرفین باید بر پژوهش‌هایی که از دنیای عمل پدیدار می‌شوند و به‌طور مستقیم به تغییر و پیشرفت دنیای عمل کمک می‌کنند و به تصمیم‌گیری اثربخش و بهبود مهارت‌هایی در سطوح بالاتر یاری می‌رسانند، تأکید نمایند. یافته‌های پژوهش حاکی از اهمیت شاخص آموزش است؛ بنابراین انتظار می‌رود که متناسب با تغییرات محیطی در حرفه حسابداری و حسابرسی، محتوا،

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

مفاهیم آموزشی، شیوه‌های آموزشی و سرفصل‌های دروس دانشگاهی حسابداری، به‌ویژه در مقطع کارشناسی نیز مورد بررسی و بازبینی قرار گیرد و انطباق بیشتری با نیازهای حرفه و تحولات روز داشته باشد. دیگر شاخص با اهمیت در این پژوش شکاف فعالیتی است که در آن اعضاء هیئت‌علمی بیشتر بر جنبه‌های علمی رشته تأکید دارند و افراد شاغل به جنبه‌های حرفه‌ای آن نیازمند هستند؛ بنابراین جهت کاهش این شکاف، شناسایی و تعریف مسائل و مشکلات مشترک طرفین و سپس انجام پژوهش کاربردی در این زمینه می‌تواند اثربخش باشد. در زمینه پژوهش‌های کاربردی بوگت و ون‌هلدن (۲۰۱۴) روشی را تحت عنوان پژوهش‌های دانشگاهی درگیر با عمل در حسابداری مطرح نمودند. آن‌ها سه راه‌حل را برای ترمیم شکاف پژوهش‌های دانشگاهی و کاربرد آن‌ها در عمل مطرح نمودند: راه‌حل اول انتقال و انتشار دانش و آگاهی‌های دانشگاهی در محیط عمل که نیاز دارد به قرار دادن یافته‌های دانشگاهی اعضاء هیئت‌علمی در مسیری که برای افراد شاغل در محیط عملی در دسترس باشد. به‌عنوان نمونه با توصیه‌هایی که پژوهش‌گران دانشگاهی می‌توانند بر اساس یافته‌های پژوهش‌های خود برای افراد شاغل در عمل داشته باشند یا جلساتی که می‌تواند با افراد شاغل در عمل صورت گیرد و یا مجلاتی که بتوانند این نتایج را در اختیار آن‌ها قرار دهند. راه‌حل دوم وفق دادن تفاوت‌های بین دانش و آگاهی‌های تولید شده به‌وسیله پژوهش‌گران دانشگاهی و افراد شاغل در حرفه است. نهایتاً راه‌حل سوم پژوهش‌های دانشگاهی درگیر با عمل نامیده شد. طبق پژوهش آن‌ها پژوهش درگیر با عمل نشان‌دهنده یک تحول اساسی در تعریف پژوهش‌گران از ارتباط آن‌ها با جامعه‌ای که شامل سایر رشته‌های دانشگاهی و افراد شاغل در عمل می‌باشد است. به گفته آن‌ها پژوهش درگیر با عمل در صورتی موفق خواهد بود که در طرح‌های پژوهشی پیوستگی قوی بین پژوهش‌گران و افراد شاغل در عمل حتی به صورت ملاقات رودررو و با مدت طولانی باشد و از روش‌ها و مدل‌های چندگانه به عنوان اهرمی برای توضیح متقابل بین آن‌ها استفاده شود.

با توجه به یافته‌های پژوهش به پژوهش‌گران پیشنهاد می‌شود که از روش پژوهش اقدام پژوهی در پژوهش‌های حسابداری استفاده نمایند. هدف از اقدام پژوهی بررسی موضوعاتی است که فرد یا افراد در محیط کار و شغل خود با آن درگیر هستند و می‌خواهند از راه پژوهش آن را حل نموده یا تقلیل دهند. به افراد شاغل در حرفه که زمان و مهارت‌های لازم را برای به‌کارگیری نتایج پژوهش‌ها را ندارند، به ویژه هنگامی که آن‌ها با مشکلاتی از جنبه‌های ریاضی، آماری و نظری پژوهش‌های حسابداری مواجه می‌شوند، پیشنهاد می‌شود همگرایی لازم در این زمینه را با اساتید دانشگاه‌ها و سایر اعضای حرفه ایجاد و نسبت به تأسیس انجمن‌های مستقل

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

و پنل‌های پژوهش‌هایی و آموزشی مشترک، کارگروهی و تماس‌های مستقیم به ویژه در حوزه‌های حسابرسی و بازار سرمایه اقدام نمایند. به سیستم آموزشی پیشنهاد می‌شود که بر شناسایی نیازهای پژوهشی مرتبط با حرفه و مهارت‌های تکنیکی و ارتباطی مورد نیاز دانشجویان تمرکز نموده و دانشجویان را برای حرفه آموزش دهند. پیشنهاد می‌شود که فشار دانشگاه‌ها و حتی سیاستمداران کشورها به اعضاء هیئت‌علمی برای انتشار مقالات در مجلات با ضریب تأثیر بالا مدیریت گردد. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود با مطالعه سایر رشته‌های دانشگاهی، دیگر عوامل احتمالی مؤثر بر شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌ها را شناسایی و آزمون نمایند و نتایج پژوهش را با نتایج این پژوهش مقایسه نموده و در صورت امکان از روش مصاحبه نیز استفاده نمایند. همچنین پژوهش‌گران آتی می‌توانند عوامل مؤثر بر ایجاد شکاف در کاربردی بودن پژوهش‌های حسابداری را در ابعاد محدودتری از قبیل حسابداری مالی، حسابداری مدیریت، حسابرسی و... بررسی نمایند. در انجام این پژوهش محدودیت‌هایی نیز وجود داشته است. داده‌های پژوهش بر اساس طراحی پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شده است. علیرغم توجه به روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری، مشکلاتی در خصوص درستی نمونهٔ انتخاب شده، وجود جو اعتماد در هنگام تکمیل پرسشنامه، عدم وجود انگیزه برای تکمیل پرسشنامه و ... می‌تواند وجود داشته باشد؛ بنابراین اظهارنظر پیرامون صحت نتایج باید با احتیاط صورت گیرد.

۷- منابع

اعتمادی، حسین؛ و حسین فخاری. (۱۳۸۳). تبیین نیازها و اولویت‌های تحقیقاتی حسابداری؛ ارائه الگویی جهت همسویی تحقیقات، آموزش و عمل. **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی** ۱۱(۱): ۲۷-۳.

بخشانی، صفیه. (۱۳۹۷). بررسی نگرش دانشجویان غیر حسابداری به تأثیر مباحث حسابداری منظور شده در برنامه آموزشی مصوب بر مدیریت کسب و کار. **دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت** ۷(۲۶): ۱۰۴-۹۵.

بدری، احمد. (۱۳۹۳). واکاوی و نقد روش‌شناسی پژوهش‌های تجربی مالی و حسابداری در ایران. **پژوهش‌های تجربی حسابداری** ۳(۱۲): ۱۲۷-۹۹.

بنی‌مهد، بهمن؛ مهدی عربی و شیوا حسن‌پور. (۱۳۹۵). اشتباهات رایج در پژوهش‌های تجربی حسابداری. **دانش حسابداری مالی** ۳(۱): ۴۵-۲۱.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

توسلی، فاطمه؛ محمدعلی باقرپورولاشانی و محمدجواد ساعی. (۱۳۹۶). بررسی فاصله انتظاری در آموزش حسابداری با توجه به الزامات جدید. **مطالعات تجربی حسابداری مالی** ۱۴(۵۴): ۸۹-۱۱۲.

ثقفی‌اصل، آرش؛ اسفندیار زبردست و حمید ماجدی. (۱۳۹۳). شناسایی و اولویت‌بندی معیارها و شاخص‌های مؤثر در فرآیند تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری در ایران. **معماری و شهرسازی آرمان‌شهر** ۱۳: ۱۹۷-۱۸۳.

جامعی، رضا. (۱۳۹۷). بررسی تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (کارشناسی ارشد) با مهارت‌های موردنیاز بازار کار: از دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران. **تدریس پژوهش** ۶(۳): ۲۳۳-۲۱۸.

حجازی، رضوان؛ و سیده سمانه شاهرخی. (۱۳۹۳). شکاف بین حسابداری مدیریت در تئوری و عمل. **دانش و پژوهش حسابداری** ۱۰(۳۷): ۸-۲.

حسینی، سیدعلی؛ و مهناز محمودخانی. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری. **حسابداری و منافع اجتماعی** ۱۰(۱): ۶۹-۴۷.

خانی، عبدالله؛ و جمیله طیبی. (۱۳۹۴). تعیین و اولویت‌بندی مهارت‌های آموزشی حسابداری بر اساس الگوی تحلیل سلسله مراتبی. **دانش حسابداری** ۶(۲۳): ۹۸-۷۷.

خواجوی، شکراله؛ و شعله منصوری. (۱۳۹۰). ترکیب بهینه تدریس و پژوهش: تحول لازم در آموزش حسابداری. **دانش حسابرسی** ۱۱(۵): ۸۱-۶۹.

دیانتی‌دیلمی، زهرا؛ و عطیه پاکزاد. (۱۳۹۶). بررسی درجه اثربخش بودن آموزش حسابداری در دانشگاه‌ها و عوامل مؤثر بر آن با استفاده از کارت ارزیابی متوازن. **دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت** ۶(۲۱): ۱۴۱-۱۲۱.

رضازاده، جواد. (۱۳۹۲). حسابداری علم است یا فن؟ **حسابرس** (۶۸): ۹۲-۸۸.

رهنمای‌رودپشتی، فریدون؛ و علی‌اصغر طاهرآبادی. (۱۳۸۹). مشکلات تعامل بین تحقیقات، آموزش و حرفه حسابداری و ارائه یک الگوی جدید. **دانش و پژوهش حسابداری** ۲۱: ۶۵-۱۲.

سلیمانی‌امیری، غلامرضا؛ و ماندانا طاهری. (۱۳۹۷). رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کیفیت فعالیت حسابرسی داخلی: مدل تحلیل شبکه. **دانش حسابرسی** ۱۸(۷۱): ۱۷۴-۱۴۹.

شفیع‌پور، سید مجتبی؛ و شهرام دادگر. (۱۳۹۱). عدم موفقیت پژوهش‌های حسابداری در ارتقای حرفه حسابداری. **پژوهش حسابداری** ۲(۷): ۷۵-۵۱.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

صالحی، مهدی؛ فرزانه نصیرزاده و وهاب رستمی. (۱۳۹۳). چالش‌های آموزش حسابداری در ایران از دید شاغلین حرفه و مراجع دانشگاهی، **دانش حسابرسی** ۱۴(۵۴): ۸۷-۶۷.

صفرزاده، محمدحسین؛ و بهزاد بیگ‌پناه. (۱۳۹۴). سوء رفتار پژوهشی و عوامل مرتبط با آن در محیط پژوهشی حسابداری. **دانش حسابداری** ۶(۲۳): ۱۲۴-۹۹.

فیضی، جعفر؛ هانی قاروی و مجتبی اکبرپور. (۱۳۹۲). فاصله‌ی نظریه و عمل در پژوهش‌های حسابداری مدیریت. **حسابدار رسمی** ۶(۲۴): ۱۱۰-۱۰۲.

قدسی‌پور، حسن. (۱۳۸۴). **فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی**. تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

محسنی، عبدالرضا؛ و لیدا صیادی. (۱۳۹۹). تبیین و توصیف رویکرد مداخله‌ای در پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی. **حسابداری و منافع اجتماعی** ۱۰(۳): ۹۲-۷۵.

ملکیان، اسفندیار؛ حسین فخاری؛ یحیی کامیابی و سعید پاکدلان. (۱۳۹۷). بررسی و رتبه‌بندی افشای ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه فکری به روش سلسله مراتبی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **حسابداری ارزشی و رفتاری** ۳(۶): ۳۵-۱.

نمازی، محمد؛ محمد محمدیان و زینب مهتری. (۱۳۹۷). بررسی ساختار و چارچوب مقاله‌های علمی پژوهشی در نشریه‌های بین‌المللی حسابداری. **پیشرفت‌های حسابداری** ۱۰(۲): ۳۰۷-۲۷۷.

Albu, C.N., & S. Toader. (2012). Bridging the gap between accounting academic research and practice: some conjectures from Romania. **Journal of Accounting and Management Information Systems** 11(2): 163–173.

Ali, S.N. (1986). Attitudes and preferences of library practitioners in Illinois to channels for dissemination of research results. **College and Research Libraries** 47: 167–172.

Baldvinsdottir, G., F. Mitchell & H. Norreklit. (2010). Issues in the relationship between theory and practice in management accounting. **Management Accounting Research** 21: 79–82.

Basu, S. (2012). How Can Accounting Researchers Become More Innovative? **Accounting Horizons** 26(4): 851-870.

Bogt, H., & J. Helden. (2014). A pragmatic view on engaged scholarship in accounting research. **Qualitative Research in Accounting & Management** 11(1): 40-50.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

Borges, L.F.M., C.K.S. Santos & E.A. Leal. (2014). Quality in educational service: expectations versus performance in the accounting undergraduate course. **European Scientific Journal** 10(1): 100-114.

Che Ku, H., & K. Che Ku. (2014). Accounting education change: Improving the quality of accounting graduates. **Journal of Applied Environmental and Biological Sciences** 4(6): 1-7.

Chinwendu, O., & A. Lois Nkechi. (2020). Effect of Blended Learning on Students Academic Performance in Physics in Federal Colleges of Education in South East, Nigeria. **British Journal of Education** 8(1): 66-77.

Demski, J.S., N. Dopuch, B. Lev, J. Ronen, G. Searfoss & S. Sunder. (1991). A statement on the state of academic accounting. **Critical Perspectives on Accounting** 9: 143-171.

Fisher, W. (1999). When write is wrong: Is all our professional literature on the same page? **Library Collections, Acquisitions, and Technical Services**, 23, 61-72.

Gendron, Y. (2008). Constituting the academic performer: the specter of superficiality and stagnation in academia. **European Accounting Review** 17 (1): 97-127.

Guthrie, J., R. Burritt & E. Evans. (2011). **Bridging the Gap between AcademicAccounting Research and Professional Practice**. The Institute of chartered Accountants in Australia, Sydney, 9-21.

Haddow, G., & J. Klobas. (2004). Communication of research to practice in library and information science: Closing the gap. **Library & Information Science Research** 26: 29-43.

Harvey, R. (2001). Losing the quality battle in Australian education for librarianship. **Australian Library Journal** 50: 15-22.

Heck, J., & B. Jensen. (2007). An analysis of the evolution of research contributions by The Accounting Review 1926-2005. **Accounting Historians Journal** 34(2): 109-142.

Hopwood, A.G. (2007). Whither accounting research? **The Accounting Review** 82(5): 1365-1374.

Inanga, E.L., & W.B. Schneider. (2005). The failure of accounting research to improve accounting practice: a problem of theory and lack of communication. **Critical Perspectives on Accounting** 16(3): 227-248.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

Kaplan, R.S. (2011) Accounting Scholarship that Advances Professional Knowledge and Practice. **The Accounting Review** 86(2): 367-383.

Kinney, W.R.J. (2001). Accounting Scholarship: What Is Uniquely Ours? **The Accounting Review** 275-284.

Laughlin, R.C. (2011). Accounting Research, Policy and Practice: Worlds Together or Worlds Apart?. Bridging the gap between academic accounting research and professional practice, **The Institute of Chartered Accountants of Australi**a 21-30

Libby, T. (2012). About publishing: journal rankings and impact factors. **European Accounting Association Newsletter** 4: 19-20.

Lukka, K. (2010). The roles and effects of paradigms in accounting research. **Management Accounting Research** 21(2): 110-115.

Madsen, P.E. (2015). Hae the Quality of Accounting Education Declined? **The Accounting Review** 90(3): 1115-1147.

Mahmoudi, A. (2007). Philosophical attitudes to ethics in research. **The Knowledge Studies in the Islamic University** 11(36): 129-150.

Moser. D.V. (2012). Is Accounting Research Stagnant? **Accounting Horizons** 26(4): 845-850.

Oler, D.K., J. Mitchell & J. Christopher. (2010). Characterizing accounting research. **Accounting Horizons** 24(4): 635-670.

Paisey, C. (2010). Developing skills via work placements in accounting: Student and employer views. **In Accounting forum** 34(2): 89-108.

Parker, L., & J. Guthrie. (2011). The relationship between academic accounting research and professional practice. **Accounting, Auditing & Accountability Journal** (1): 5-14.

Powell, R.R., L.M. Baker & J.J. Mika. (2002). **Library & Information Science Research** 24: 49-72.

Ramirez, G., D. Waldman & D. Lasser. (1991). Research Needs in Corporate Finance: Perspectives from Financial Managers. **Financial Management** 20(2): 17-29.

Rebele, J., & E. Pierre. (2015). Stagnation in Accounting Education Research. **Journal of Accounting Education** 33(2): 128-137.

Stankovic, B., & M. Stankovic. (2013). **The importance of research ethics for medical law**.Working Paper, Loyola University Chicago; university of information science and technology.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]

Sterling, R. (1973). Accounting research education and practice. **The journal of accountancy** 136(3): 44–52.

Sterling, R. (1990). Positive accounting: an assessment. **Abacus** 26(2): 97-135.

Tucker, B., & A. Lowe. (2011). Practitioners are from Mars; Academics are from Venus? An empirical investigation of the research-practice gap in management accounting. **Accounting, Auditing and Accountability Journal** 27(3): 394-425.

Turner, K.J. (2002). **Do information professionals use research published in LIS journals?** 68th IFLA Council and General Conference, Available: http://www.ifla.org/

Wang, Q., D. Liu & S. Qin. (2018). **Innovation and Practice of Applied Accounting Talents Training Mode in Local Colleges and Universities Based on Supply-Side Reform-Taking Shenyang Jianzhu University as an Example**. In 2018 2nd International Conference on Education, Economics and Management Research (ICEEMR 2018). Atlantis Press.

Wolcott, S,K., & M.J. Sargent. (2021). Critical thinking in accounting education: Status and call to action. **Journal of Accounting Education** 56, https://doi.org/10.1016/j.jaccedu.2021.100731

Wolk, H.I., J.L. Dodd & M.G. Tearney. (2004). **Accounting Theory**: Conceptual Issues in a Political and Economic Environment (6th Ed).

Zhang, Y. (2018). Model Innovation and Teaching Effect Evaluation of Accounting Teaching in Higher Vocational Colleges in the Era of Big Data. **Educational Sciences: Theory & Practice** 18(6): 121-143.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1399.12.48.3.9]